

FROM KHATAMI TO MOIN

<http://www.ghandchi.com/410-Moin-plus.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/410-MoinEng.htm>



از خاتمی تا معین

سام قندچی

آیا فکر کرده اید که رژیم جمهوری اسلامی، بازی معین را برای شکستن تحریم انتخابات اختراع کرده است، یا این حرف من به تئوری توطئه شبیه است؟ اجازه دهید توضیح دهم.

هشت سال پیش مردم ایران میز انتخابات جمهوری اسلامی را چرخاندند، و از میان کاندیداهای منصوب شده رژیم، کاندیدای توصیه شده دستگاه، یعنی ناطق نوری را کنار زدند، و به خاتمی رأی دادند، که گرچه وی نیز کاندیدای منصوب شده دیگری از رژیم بود، اما قرار نبود که نتیجه نهایی صندوق های انتخاباتی باشد، و به همین علت مردم توانستند ضدیت خود با رژیم را، حتی در محدوده بازی های خود رژیم هم نشان دهند.

اما نتیجه چه بود؟ واقعیت نشان داد که رژیم بدرستی خاتمی را در میان منصوبین خود داشت، چه وقتی وی از رژیم در برابر جنبش دانشجویی 18 تیر حمایت کرد و چه وقتی بعد از 8 این همه سال هنوز بدون معرفی فتوادهندگان قتل های زنجیره ای و قصابی فروهرها، لیخنه میزند. بله بدرستی ایشان از منصوبین رژیم بودند، و در انتخابات چهار سال بعد ریاست جمهوری، ایشان به کاندید اول خود رژیم مبدل شدند. چهار سال پیش هنوز هم از پشتیبانی مردمی و سراب های امید به اصلاحات قدری باقی مانده بود، و حتی پشت کردن ایشان به دانشجویان در 18 تیر نیز مورد اغماض قرار می گرفت و حرفهای ایشان در رابطه با پیگیری قتل زهرا کاظمی جدی تلقی میشد. در واقع روشن شدن بازی های اصلاح طلبی، و جریان تحریم انتخابات های جمهوری اسلامی، فقط دو سال است که بطور جدی نیرو گرفته است. آخر این چه اصلاح طلبی است که مدعیانش 8 سال در قدرت بودند و تغییر در عدم حضور نیروهای غیر اسلامی در پروسه های سیاسی نکردند؟

اگر نظیر هگل، تجربه مردم ما با خاتمی را تراژدی بنامیم، داستان معین از همین حالا را بایستی یک کمیدی خطاب کنیم. ظاهراً دو روز دیگر آقای معین قرار است اعلام کنند که در انتخابات شرکت خواهند کرد یا نه. ظاهر بازی این که هفته پیش شورای نگهبان ایشان را از کاندیدائی انتخابات محروم کرد، و گویی بخاطر تظاهرات دانشجویان و فشار مردم، آقای خامنه ای ایشان را به صف کاندیداها برگرداندند. گویی ایشان دکتر مصدق هستند، که در 30 تیر با فشار مردمی، شاه وادار شد ایشان را به نخست وزیری بازگرداند. در صورتیکه تا یک هفته پیش، حتی کسی در ایران نمیدانست کسی بنام معین وجود دارد، او حتی از خاتمی قبل از ریاست جمهوری هم، گمنام تر بود، پس کدام جنبش مردمی برای شخص معین، باعث تصمیم خامنه ای شد؟

البته من تظاهرات های دانشجویی بر ضد تصمیم شورای نگهبان را ترفند نمیدانم. آنها بیان مخالفت دانشجویان با انتخاباتهای استصوابی شورای نگهبان، و کلیت جمهوری اسلامی است، و شخص معین در این میان اهمیتش حتی از اهمیت شخص آعاجری در تظاهراتهای **آیان و آذر 1381** هم کمتر است، و طبیعی بود که در سال 1381، در جو فاشیستی ایران، دانشجویان مخالفت خود با قانون ضد ملحدین را، در مخالفت با موضوع آعاجری بیان کنند و نه در ارتباط با مورد سلمان رشدی. حالا هم از صدها حزابی که حق فعالیت در ایران جمهوری اسلامی را ندارند، و هزاران انسان قابلی که میتوانند ایران را درست هدایت کنند، دانشجویان مجبورند در ارتباط با تشکیلاتهایی که میشود نام آنها را برد، و نام هایی که میشود بر زبان آورد، استفاده کنند. اما داستان ترفند رژیم سواي این تاکتیکهای مبارزات صادقانه دانشجویان است.

در این یکی دو هفته قضیه اینگونه طرح شد که بحث سر این است که خامنه ای "حکم حکومتی" داده یا نه، و گویا اگر این "حکم حکومتی" است، آقای معین تبدیل میشود به خاتمی دوم که تصمیم گیرنده خامنه ای خواهد بود. گویی اینجا بازی موش و گربه است. گویی اگر ایشان با تصمیم شورای نگهبان از اول منصوب شده بود، ایشان میتوانستند مثلاً فرمانده کل قوا باشند. حتی دکتر مصدق با همه محبوبیتش، برای چنین اتوریته ای، که مغایر قانون اساسی آنزمان ایران بود، سالها مبارزه کرده بود، نه آنکه ساده لوحانه فکر کند به صرف تحمیل شدن بر شخص اول مملکت، میتواند چنین حقی را کسب کند! تازه در مورد معین قضیه بر عکس است، و این نبوده که ایشان شخصیت برجسته ای نظیر دکتر مصدق بوده اند، اتفاقاً این بازی بر عکس بوده است، و برای برجسته کردن معین بوده است، و نه تو سری خور کردن او. در پائین توضیح میدهم که چرا رژیم این بازی را میکند.

اساساً هیچکدام از کاندیداهای موجود، و از جمله معین، نمیتوانستند نیروهای تحریم کننده این انتخابات را، به عرصه انتخابات بکشند. از سویی دیگر آنهایی که در این انتخابات شرکت میکنند، به معین یا کروی رأی نمیدهند. اما با این ترفند رژیم، معین میتواند بخشی از نیروهای تحریم کننده این انتخابات را به عرصه انتخابات بکشد. اگر این نیروی ملحق شده به صفوف انتخابات آنقدر بزرگ باشد، که معین را به رئیس جمهوری برساند، که خاتمی دومی ساخته شده است. اگر هم نه، کاندیداهای دیگر جمهوری اسلامی انتخاب شده اند، و در دنیا هم هم میگویند که انتخابات با شرکت وسیع مردم انجام شد حتی اگر یک اقتدارگرا انتخاب شد.

متأسفانه از فردای بازی شورای نگهبان و خامنه ای، بسیاری از نیروهایی که بدرستی بر رفتارندوم و تحریم انتخابات تکیه کرده اند، دوباره نظیر دوران خاتمی شروع کردند به نصیحت کردن به آقای معین، که ایشان این کار را بکند یا آن کار را، گویی که ایشان مصدق دومی است، و به این طریق به تبلیغات برای معین و به پیروزی تاکتیک رژیم کمک نمودند. در صورتیکه پیغام ابوزیسیون ایران برای آقای معین، فقط یک کلام میبایست باشد و آنهم تحریم. یعنی آقای معین، اگر شما امروز واقعاً بدون اطلاع از این بازی ها، توسط شورای نگهبان حذف شده اید و آقای خامنه ای شما را برگردانده، و خود بخشی از این بازی رژیم نیستید، این انتخابات را که بوضوح در مورد خود شما نشان میدهد، که انتخابات نیست، بلکه انتصاب است را، تحریم کنید. بنظر من حتی اگر آقای معین خود از این بازی مطلع نباشد، این مثل روز روشن است که بر خلاف 8 سال پیش، برای رژیم آنچه در درجه اول اهمیت دارد، مشروعیت است و بقا، و نه اینکه خاتمی بیاید یا ناطق نوری، معین بیاید یا رفسنجانی.

در یک جمهوری واقعی، احزاب حق فعالیت دارند، و مثلاً در آمریکا، حتی بیش از یک سال قبل از انتخابات رئیس جمهوری، در درون خود احزاب، برای انتخاب کاندید ریاست جمهوری مبارزه میکنند، و بعداً کاندیداهای خود را در موعد انتخابات رئیس جمهوری ارائه میدهند. نه آنکه چند هفته مانده به انتخابات، یک باره هزاران نفر برای کاندید ریاست جمهوری شدن، ثبت نام کنند، و یک شورای نگهبانی هم لیست را برای مردم از چند هزار نفر، به چند نفر، آنهم در چند روز، که حتی وقت لازم برای خواند اسامی شان هم نیست، تقلیل دهد. حتی سیستم کاملاً کامپیوتری با هوش مصنوعی نمیتواند چنین سریع چنین تصمیمی را بگیرد. یعنی علاوه بر اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی، قانونی کاملاً ارتجاعی است و بایستی کاملید عوض شود، این متد تعیین کاندیداهای رئیس جمهوری در جمهوری اسلامی نیز، بسیار عقب مانده است که در مقاله دیگری چهار سال پیش بحث کردم و لازم به تکرار در اینجا نیست [http://www.ghandchi.com/76-primaries.htm].

مهم نیست که خاتمی ها و معین ها چقدر خود افراد درستکاری هستند، و از همه جزئیات این ترقند های رژیم مطلعند یا نه. مهم این است که اینان نقش مهمی در ادامه سیستمی دارند که در آن باصلاح رئیس جمهور اصلاح طلب 8 سال در قدرت است، و تشکیلاتهای سیاسی غیر اسلامی حق حیات و انتخاب شدن ندارند، و مخالفین سیاسی، یا نظیر اکبر گنجی در زندان هستند، یا که نظیر زهرا کاظمی بقتل میرسند و مسئولین قتلشان مقام دادگستری دارند، و یا که نظیر اسماعیل محمدی نه تنها س از این سالها آزاد نشده اند بلکه هر لحظه در خطر اعدامند.

به امید **جمهوری آینده نگر** فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

5 خرداد 1384

May 26, 2005

مقاله مرتبط:

<http://www.ghandchi.com/409-UnityToEndIRI.htm>

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>